

را بیاورد کرده است و در اختیار کسی که در آن وقت در آنجا نشانی نداشتند، در شماره ۷۵
 ... که منضم به کلامی است که در آنجا درج شده است و این کلام در شماره ۷۵
 در شماره ۷۵ که در آنجا درج شده است و این کلام در شماره ۷۵
 در شماره ۷۵ که در آنجا درج شده است و این کلام در شماره ۷۵
 در شماره ۷۵ که در آنجا درج شده است و این کلام در شماره ۷۵

حافظ هر وی (دومین)

باین تخلص شاعر شهسوری با اسم جنیدالله داریم که مسقط الرأس و محل
 نشو و نما و ادبی وی گرخ ولایت هرات و وطن عزیز است چنانچه تمسک کننده
 گذارش حالات و نمونه اثرات آن شاعر بزرگوار را بمجله ۳۶ جلد ۳ شماره ۱۲
 آریانا در نه صفحه بمنصه اشاعه گذاشته ام. اما در این روزها نسخه مختصر خطی
 که بطور منتخب از نشر و نظم حاوی بر اقوال بزرگان و مضامین مفید و جملات
 اخلاقی و بعضی حکایات و غزلیات و بیشتر معنیات ترتیب یافته است بدست افتاد
 که در آن به حافظ دومین که از معاصرین حافظ سابق الذکر اولین خواهد بود
 و اصل نسخه نیز بخط خود او تحریر یافته بر خوردم و اینک ناچائیکه از نسخه
 مذکور معلومات و اثراتش یافته می شود مینگاریم:

در آغاز این نسخه معرفی شخص خود را چنین می نماید:

« اسمعیل بن المرحوم خلیفه غلام احمد الهروی »

در آخر نسخه که تمسک آن را بفر موده برادر معظم و مطاع مکرم
 و او آخند ملا نشان و انمود میسازد مینویسد

« کاتبه العبد ... الی عفو ربه الجلیل الحقیر الذلیل اسمعیل الهروی الازادانی

فی شهر صفر المظفر فی تاریخ (محرره الحاذق) هذا ماوة التاريخ والمناسبة

ظاهره لان تخلصه فی الشعر حاذق » . در نسخه دیگر در آنجا درج شده است

قال الحاذق الهروى: هذا الكتاب من اهل فضل و احترام
چون اسم و تخلص و مسککش نظر به تفصیل فوق اول و آخر صفحه آگاهی
دستداد اینک به اثراتش می پردازیم: *بسم الله الرحمن الرحيم*

در یکی از صفحات این نسخه همینگیاراد: *بسم الله الرحمن الرحيم*

قال الحاذق المسمى بالجنید: *بسم الله الرحمن الرحيم*

چه سیدم من که نی بسمل شدم نی زیب قترا کی

نه از خونم زمین آلود شدمی دامن پاکی (۱)

قال الحاذق الهروى المسمى باسمعيل فى جوابه و تکلیفه.

اگر سیدم در جهان خواری بجز هشیارود را کی

اعداد سه را که نوشت فرو مانده بزیر باز غم هر چیست و چالاکی

اگر خواهی شوی خوشدل بشویی باز همچون پید کلاه است مگر در

که (۱) *بسم الله الرحمن الرحيم* در کسر بیان خود اصلاً دست بیساکسی

نه بر سر سنگ نا اهلان خوری نی سر برنت خلق اندازد.

غالباً چنین باشد تبیینی اره بر سر میخورد در ستالی هر دو کتاب

کهجا گنجد چرا و چون بدر آگاه شده بیچون *بسم الله الرحمن الرحيم*

شده *بسم الله الرحمن الرحيم* که اطلاق و بوسیما بود طفل هوسنا کی

ز سر عشق بطلیموس *بسم الله الرحمن الرحيم* شد آ *بسم الله الرحمن الرحيم*

شده *بسم الله الرحمن الرحيم* بشد عارف هران عاشق که دارد سینه چاکی

مباش ای حاذق مسکین زا بنای زمان قر سان

چو با حق راستی هر کز مدار از غیر حق باکی

وقال الحاذق الهروى فى قصیده:

۲ - گفته اند اهل کمال و فضل پیش از من چنین *بسم الله الرحمن الرحيم*

شده *بسم الله الرحمن الرحيم* عزت و دولت اگر خواهی *بسم الله الرحمن الرحيم* کسب و کمال

عکس این آمد نتیجه در من زار *بسم الله الرحمن الرحيم* گفته

شده *بسم الله الرحمن الرحيم* سید و زلق *بسم الله الرحمن الرحيم* کما ام شد و بال

(۱) *بسم الله الرحمن الرحيم* این غزل در آن شماره نمبر ۳۶ آمده به آن و زانق یونک *بسم الله الرحمن الرحيم* (۱) گفته شد.